

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ٢٩].

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ [المائدة: ٥٥].

تولی و تبری در اسلام

تألیف:

صالح بن فوزان الفوزان

ترجمه:

عبدالعزیز بداعی

عنوان کتاب:

تولی و تبری در اسلام

مؤلف:

صالح بن فوزان الفوزان

مترجم:

عبدالعزیز بداعی

موضوع:

دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی،
انسان، شیطان، جن، ملک و...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:

دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی،
انسان، شیطان، جن، ملک و...) این کتاب از سایت کتابخانه
عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com



book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعهٔ موحّدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- مقدمه مترجم ۵
- مقدمه مؤلف ۸
- نشانه‌های تولی و تبری ۱۲
- الف) نشانه‌های دوستی با کفار ۱۲
- ۱- شباهت در پوشش و نحوه گفتار: ۱۲
- ۲- اقامت در دار الکفر و عدم مهاجرت در جهت صیانت دین به دار الإسلام: ۱۲
- ۳- حمایت و یاری کفار بر علیه مسلمانان: ۱۳
- ۴- یاری طلبیدن، اعتماد، سر سپردگی، واگذاری پستهای حساس که سبب دسترسی کفار به اسرار مسلمانان می گردد و برگزیدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صمیمی: ۱۴
- ۵- استفاده از تاریخ آنان به ویژه تاریخی که بیانگر عقاید و اعیاد آنان است، (مانند تاریخ میلادی): ۱۶
- ۶- شرکت در جشن‌ها، کمک کردن در برگزاری آن و تبریک گفتن

- به آنان:..... ۱۶.....
- ۷- مدح و ستایش فرهنگ و تمدن کفار و شیدایی اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقاید غلط و دین فاسدی که دارند:..... ۱۶.....
- ۸- تاسی به کفار در نامگذاری اولاد:..... ۱۸.....
- ۹- طلب آمرزش و مغفرت برای کفار:..... ۱۸.....
- ب) نشانه‌های دوستی با مؤمنین ۱۸.....
- ۱- هجرت از دارالکفر به سوی دارالاسلام:..... ۱۸.....
- ۲- پشتیبانی و یاری کردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نیامندیهای دین و دنیایشان:..... ۱۹.....
- ۳- شادی و مصیبت مسلمانان را از آن خود بداند..... ۱۹.....
- ۴- دوستدار و خیرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فریب آنان:..... ۲۰.....
- ۵- تکریم و احترام مسلمانان و امتناع از عیبجویی و تنقیض شخصیتشان:..... ۲۰.....
- ۶- در تنگنا و فراخی یار مونس آنان باشد..... ۲۱.....
- ۷- دیدار و هم نشینی با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان:..... ۲۱.....
- ۸- رعایت حقوق مسلمانان:..... ۲۲.....
- ۹- شفقت با ضعفای مسلمان:..... ۲۲.....
- ۱۰- طلب استغفار و دعای خیر برای مسلمانان:..... ۲۳.....
- مردم در تولی و تبری به سه گروه زیر تقسیم می شوند: ۲۶.....

-
- گروه اول: ۲۶
- گروه دوم کسانی که مورد بغض و نفرت مسلمان هستند و مجتبی در دل آنان ندارند..... ۲۷
- گروه سوم..... ۲۸

مقدمه مترجم

واقع تلخی که جهان امروز با آن روبرو می‌باشد این است که ایادی کفر و طاغوت در سراسر جهان برای نابودی اسلام بسیج شده و دست در دست هم نهاده اند و تمام قوای خویش را برای رسیدن به این امر شوم به کار گرفته‌اند.

روز به روز صفوف کفر محکم‌تر و اتحادشان بیشتر و در مخالفت با شرح الله جسورتر می‌گردند و چشم به دنبال روزی دارند که نظام اسلام از صحنه گیتی بر چیده شده و کفر جهانی بر سراسر عالم حکمفرما شود. اسلام تاکنون چنین مورد غربت واقع نشده و بی‌یاور نمانده است. در گوشه گوشه این جهان پهناور این مسلمانانند که مظلومانه کشته می‌شوند، آواره می‌گردند و با وحشیانه‌ترین شیوه مورد آزار و شکنجه قرار می‌گیرند این آه و فغان مسلمانان در بند است که به جایی نرسیده و از سوی هیچ قدرتی حمایت نمی‌شوند، این ندای قرآن است که در گلوی مسلمانان و زیر آوار مساجد به خون آغشته خفه می‌شود. و این خون عقیده‌ی توحید است که در شاه‌رگ جوامع اسلامی بی‌حرکت می‌گردد.

انگیزه‌ای که مرا به ترجمه این کتاب واداشت، کج فهمی و افتراءاتی بود که بعضا از سوی برخی مسلمانان ساده اندیش و خود باخته که بیشتر اسلام را از تعریف و تفسیر دشمنان این دین شناخته^۱ و نسبت به حقایق آن پشت پرده‌های اوهام و پندار

مانده‌اند، و به تنها قسمتی از اسلام که بتواند مقبول جهان کفر بوده و از آن خطری احساس نشود بسنده نموده‌اند.

یکی از ریشه‌های توحید که امروز بر مسلمانان پوشیده می‌باشد اصل تولی و تبری است، و تا زمانی که این اصل در زندگی مسلمانان وارد منطق بر موازین شرع اجرا نشود. انقلاب توحیدی که بتواند دست استکبار را قطع نموده و ریشه‌های طاغوت را بخشکاند و مسلمانان را از زیر سلطه و یوغ ظالمان آزاد ساخته و رهایی بخشد محقق نخواهد شد.

ولی متأسفانه امروز افکاری منحرف و گمراه کننده و نشات گرفته از عقل ناقص بشری که مخالف با نصوص صریح قرآن و سنت مطهر رسول الله ﷺ می‌باشد، اصرار در توجیه کفر کافران و جنایاتی که مرتکب می‌شوند داشته و به رغم تشویق مومنان به جهاد و مبارزه با زورگویان و ظالمان روحیه مجاهدین را در دفاع از شریعت الله سست نموده و از جهاد تنفر می‌جویند.

این جاهلان هرگز از موالات و برادری با کفار اکراه نداشته و با حربه ((در جهان کافری نمی‌توان یافت و حجت دینی هنوز بر کسی تمام نشده است)) به کلی نظام تولی و تبری را زیر سوال برده بلکه آن را تعطیل نموده‌اند. در حالی که تشکیل جامعه و حکومت دینی بر این اصل استوار بوده و می‌تواند بقای خویش را حفظ نمایند، و در پی استقرار چنین نظامی است که صفوف پولادین سربازان اسلام در برابر کفر شکل گرفته و اتحاد بین مسلمانان به وجود خواهد آمد. و با صراحت می‌توان گفت جامعه و حکومت اسلامی تنها به این شرط می‌تواند انسجام یافته و روح اسلام در آن تبلور یابد.

در پایان ترجمه کتاب «الولاء والبراء في الاسلام» را به کلیه برادران و خواهران ایمانیم تقدیم می‌دارم و از بارگاه الله ﷻ خواهانیم آن را به عنوان عملی صالح

پذیرفته و گامی در جهت خدمت به شریعت مقدس خویش و نیز وسیله‌ای برای آگاهی بیشتر عزیزان در این راستا قرار دهد. آمین.

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله وصحبه ومن اهتدى بهداه. دوستی و مودت با اولیاء الله پس از محبت الله و رسولش و دشمنی با دشمنان او بر هر مسلمانی واجب است و پایبندی به این عقیده، از جمله اصول عقیده‌ی اسلامی بوده و بر هر مسلمانی واجب است، اهل آن را دوست داشته و با مخالفان آن دشمنی بورزد، لذا واجب است موحدان مخلص را دوست داشته و از مشرکان بیزارى جسته و آنان را دشمن بدارد.

و این اساس دین ابراهیم عليه السلام و پویندگان سنت او است، همان کسانی که رب العالمین فرمان داده است، به آنان اقتدا نماییم آنجا که می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ﴾ [الممتحنة: ٤]. «برای شما در ابراهیم و همراهان او سرمشقی نیکوست، آنگاه که به قومشان گفتند ما از شما و آنچه بجای خداوند می‌پرستید، بری و بر کناریم، ما منکر شمایم و همواره در میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمده است تا آنکه فقط به الله ایمان آورید».

شالوده‌ی دین محمد مصطفی ﷺ نیز بر همین اصل استوار است، چنان که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ [المائدة: ٥١]. «ای مومنان! یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید؛ و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، جزو آنان است؛ الله ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

اگرچه این آیه در خصوص دوستی با اهل کتاب نازل شده است؛ لیکن در تحریم موالات کفار به طور عام می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾ [الممتحنة: ١]. «ای مومنان! دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید».

بنابراین؛ خداوند دوستی کفار را هر چند که از نزدیکترین خویشان باشد بر مومن حرام فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ [التوبة: ٢٣]. «ای مومنان! پدران و برادرانتان را اگر کفر را از ایمان خوشتر دارند، دوست مگیرید، و آنان که از شما ایشان را دوست گیرند آنانند که ستمکارند».

و نیز می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا ءَابَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ٢٢]. «قومی نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند، ولو آن که پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

بسیاری از مردم این اصل اساسی را به فراموشی سپرده و از آن غفلت ورزیده اند، تا جایی که بعضاً در خطابه‌های منسوبین به علم و دعوت که از رادیوهای عربی پخش می‌شود، شنیده شده است که مسیحیان را برادران ما می‌خوانند و از آثار مخرب این سخن خویش غافلند. حال آنکه الله سبحانه و تعالی دوستی با کفار - که همان دشمنان عقیده اسلامی هستند - را حرام نموده و دوستی و حب اهل ایمان را واجب فرموده است. چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۵۶﴾ [المائدة: ۵۵ - ۵۶].

«تنها الله و فرستاده‌ی او و مومنانی یاور و دوست دار شماستند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می‌آورند و زکات مال بدر می‌کنند و هر کس که الله و پیامبر او و مومنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از زمره‌ی حزب الله است و) بی تردید حزب الله پیروز است.»

و می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۗ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹]. «محمد پیامبر الهی و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر و با خودشان مهربانند.»

همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰]. «همانا مومنان (مسلمانان) برادرند.»

بنابراین، مومنان برادران دینی و عقیدتی همدیگرند، اگر چه در نسب، سرزمین و اعصار تفاوت داشته باشند همان طور که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الحشر: ۱۰]. «و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز، و در دل‌های ما نسبت به مومنان کینه‌ای مگذار، پروردگارا تویی که رئوف و مهربانی.»

با این وصف، از اولین مومنی که بر این کره‌ی خامی گام نهاده تا آخرین نفر اگر چه سرزمین‌هایشان از هم دور باشد و در زمانهای متفاوت به سر ببرند با همدیگر برادر و دوستدار هم هستند.

و آخرین فرد آنان به اولینشان اقتدا می‌کند و خیرخواه همدیگر بوده و برای هم از الله طلب آمرزش می‌نمایند.

نشانه‌های تولی و تبری

الف) نشانه‌های دوستی با کفار

۱- شباهت در پوشش و نحوه گفتار:

تقلید از کفار در کسوت و کلام و سایر آداب و رسوم، نشانه محبت آنان است. بر همین اساس پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم». «هر کس به سلک قومی در آید در زمره‌ی آنان است».

همرنگی و مشابهت به کفار در عادات، عبادات، آداب و سلوک که از جمله ویژگی و مشخصه‌های آنان است حرام می‌باشد، مانند تراشیدن ریش، بلند کردن سبیل^۱، تقلید در فرم لباس و خوردن و نوشیدن همچنین بکارگیری اصطلاحات زبانشان جز در هنگام ضرورت.

۲- اقامت در دار الکفر و عدم مهاجرت در جهت صیانت دین به دار الإسلام:

هجرت با چنین معنا و هدفی بر هر مسلمانی واجب است، زیرا اقامت در دار الکفر پذیرش محبت و دوستی با کافران می‌باشد. از این رو الله تعالی اقامت مسلمانی را که توانایی هجرت داشته باشد در میان کافران حرام نموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّعُوا الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا

۱- همچون مجوسیان.

كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا
فَأُولَئِكَ مَاؤُنْهُمُ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ [النساء: ۹۷-۹۸]

«کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است. مگر مردان و زنان و کودکان مستضعف که نمی‌توانند چاره‌ای بیاندیشند و راه بجایی نمی‌برند. اینان را باشد که خداوند ببخشد و خداوند بخشانده‌ی آموزگار است.»

الله تعالی اجازهی سکونت در سرزمین کفار را به مسلمانان نداده و در این راستا عذر کسی را نمی‌پذیرد مگر کسانی که مستضعف بوده و توانایی مهاجرت ندارد یا آنهایی که ماندنشان برای مصلحتی دینی مانند دعوت به سوی الله و نشر اسلام است.

سفر به سرزمین آنان به قصد سیر و سیاحت: سفر به سرزمین کافران حرام است مگر در مواقع ضروری از قبیل مداوا، تجارت و آموزش علوم کاربردی که دستیابی به آن در غیر این صورت میسر نباشد لذا اقامت به اندازه‌ی رفع نیاز بلا مانع است و چون رفع نیاز گردید بازگشت به دارالاسلام واجب است.

و شرط جواز چنین سفری این است که مسافر دین خود را آشکار نموده و به اسلام خویش افتخار نماید و از مکانهای شر دوری جسته تا از دسیسه و نیرنگ دشمنان مصون بماند. همچنین سفر به سرزمین و دیار کفر جهت دعوی به سوی الله و نشر اسلام جایز بلکه واجب می‌باشد.

۳- حمایت و یاری کفار بر علیه مسلمانان:

این مسئله مهم سبب خارج شدن مسلمان از دایره اسلام می‌گردد و از جمله اسباب ارتداد به شمار می‌آید. نعوذ بالله من ذلك.

۴- یاری طلبیدن، اعتماد، سر سپردگی، واگذاری پستهای حساس که سبب دسترسی کفار به اسرار مسلمانان می‌گردد و برگزیدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صمیمی:

الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَيْنُكُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءِ يُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامِنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن تَمَسَّسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمُ وَإِن تُصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾ [آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰].

«ای مومنان، از غیر خودتان کسی را به همدلی نگیرید که از هیچ نابکاری در حق شما فرو گذار نمی‌کند و با رنج و محنت افتادن شما را خوش دارند و به راستی دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه دل‌هایشان پنهان می‌دارد، بدر است؛ آری اگر اندیشه کنید آیات خویش را به روشنی برایتان بیان کرده‌ایم، همان شما آنها را دوست دارید ولی آنها شما را دوست ندارند و شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید؛ و چون با شما رو برو شوند، گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند، سر انگشتان خویش را از غیظ شما به دندان می‌گزند، بگو به غیظ خویش بمیرید؛ خداوند از راز دل‌ها آگاه است. اگر به شما خیری برسد ایشان را اندوهگین کند و اگر به شما بدی (و ناخوشی) رسد، از آن شاد می‌شوند».

این آیات کریمه عمق کینه و بغض کفار و شدت علاقه مندی آنان در آزار و اذیت رسانی به مسلمانان به هر وسیله ممکن اعم از مکر، خیانت و توطئه چینی را بیان می‌دارد. علاوه بر این سعی کفار بر این است از اعتماد مسلمانان نسبت به آنان سوء

استفاده کرده و نقشه‌های مخرب خویش را پیاده نمایند تا به اهداف پلید خویش دست یابند.

امام احمد از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت می‌کند که به امام عمر رضی الله عنه گفتم: کاتبی نصرانی دارم، فرمود: تو را چه شده است؟ الله تو را بکشد! آیا کلام رب العالمین را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ اَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ...﴾ [المائدة: ۵۱]. «ای مومنان یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید».

چرا یک موحد را به کار نگرفتی؟ گفتم ای امیر مومنان، کتابت او از آن من و دینش ارزانی خودش، عمر فرمود: کسی را که الله خوار نموده است اکرام نخواهم کرد و آن کس را که ذلیل کرده است عزیز نخواهیم داشت و در حالی که الله آنها را دور نموده است به آنان نزدیکی نخواهم جست.

و نیز امامان احمد و مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله عازم غزه‌ی بدر شد، مردی از مشرکان در سرزمین حره به ایشان رسیده و گفت: قصد نموده ام در رکابتان بوده و با شما بجنگم، فرمود: آیا به الله و فرستاده‌ی او ایمان داری، گفت: خیر. فرمود: برگرد، هرگز از مشرک کمک نمی‌گیرم.

با توجه به این نصوص واگذاری زعامت مسلمانان به دست کفار حرام است.

چرا که از این راه به اسرارشان دست می‌یابند و بر امورشان مسلط می‌گردند، در نتیجه با حيله و مکر به آنان آسیب و ضرر می‌رسانند.

نمونه بارز این پدیده‌ی شوم که امروزه در جهان اسلام مشهود است، مصیبت پذیرش تولیت کفار از سوی مسلمانان می‌باشد که منجر به هجوم سیل آسا آنان به سرزمین‌های اسلامی حتی حرمین شریفین شده است. به طوری که در اشکال مختلف چون کارگر، راننده، مستخدم و مربی وارد خانه و جامعه مسلمین می‌گردند.

۵- استفاده از تاریخ آنان به ویژه تاریخی که بیانگر عقاید و اعیاد آنان است^۱، (مانند تاریخ میلادی):

تاریخ میلادی عبارتی است برای یادآوری میلاد مسیح صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، این تاریخ بعدها از سوی مسیحیان وضع شده و اساسی در دین مسیح صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندارد. لذا استعمال آن مشارکت در احیای اعیاد و شعائر دینی آنان می‌باشد، که دوری جستن از آن بر مسلمانان واجب است، زیرا هنگامی که صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عهد خلافت عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مبدا تاریخ اسلام را بنا گذاشتند، عملاً از تاریخ کفار عدول کردند و حادثه عظیم هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبنی قرار دادند این عمل (اجماع صحابه)^۲ بر واجب بودن مخالفت با کافران در این مورد و موارد مشابه و سایر ویژگی‌های آنان دلالت دارد و الله المستعان.

۶- شرکت در جشن‌ها، کمک کردن در برگزاری آن و تبریک گفتن به آنان:

آیهی ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ [الفرقان: ۷۲]. «و نیز کسانی که در مجالس باطل حضور نیابند» به همین مطلب اشاره دارد. و از جمله صفات بارز عباد الرحمن این است که ایشان در جشن‌های کفار شرکت نمی‌جویند.

۷- مدح و ستایش فرهنگ و تمدن کفار و شیدایی اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقاید غلط و دین فاسدی که دارند:

﴿وَلَا تَمَدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ [طه: ۱۳۱]. «به چیزی که اصنافی از آنان

۱- چون تاریخ شاهنشاهی، میلادی و ...

را به آن بهره‌مند گردانده ایم چشم مدوز که تجمل زندگی دنیوی است تا سرانجام آنان را بدان بیازماییم، و روزی پروردگارت بهتر و پاینده‌تر است».

این بدان معنی نیست که مسلمانان اسباب توسعه - از جمله تعلیم صنایع، سازه‌های مباح اقتصادی و فنون نظامی - را فرا نگیرند، بلکه آن را از مسلمانان می‌خواهند، همچنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ...﴾ [الأنفال: ۶۰]. «و در برابر آنان هر نیرویی که می‌توانید، فراهم آورید...».

در اصل مسلمانان به بهره‌مندی از این منافع و اسرار و رموز اولی‌ترند، همچنان که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الرِّزْقِ﴾ [الأعراف: ۳۲]. «بگو: چه کسی زینت الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و رزق پاکیزه‌ی او را حرام کرده است، بگو اینها در زندگانی دنیا برای مومنان (و نا مومنان) است و در روز قیامت نیز خاص مومنان است».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ﴾ [الباقية: ۱۳]. «و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه از اوست و آنها را برای شما رام کرد».

و می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ [البقرة: ۲۹]. «او کسی است که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید».

لذا بر مسلمانان واجب است در استفاده و بکارگیری از این منافع و نیروها از دیگران سبقت گرفته و برای دست یافتن به آن مدیون کفار نبوده بلکه خود دارای فنون و صنایع باشند.

۸- تاسیبه کفار در نامگذاری اولاد:

از جمله مصائب دیگر این امت این است که برخی از مسلمانان بر فرزندان خویش اسامی بیگانه نهاده و اسم‌های مالوف و مشهود نیاکان خویش را که در جامعه اسلامی رایج بوده است واگذارند. حال آنکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خَيْرَ الْأَسْمَاءِ عَبْدُ اللَّهِ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ». «بهترین نام‌ها عبدالله و عبدالرحمن است». نتیجه این تغییر در اسامی، پیدایش نسلی با اسامی عجیب و غریب است که باعث شکاف میان نسل جدید و قدیم می‌گردد و شناسه‌ای را که جزو ویژگیهای هر خانواده است از بین می‌برد.

۹- طلب آمرزش و مغفرت برای کفار:

الله تعالی به طور قطع و یقین در آیه زیر این عمل را حرام نموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳]. «سزاوار نیست که پیامبر و مومنان برای مشرکان، ولو خویشان باشند، پس از اینکه بر ایشان آشکار شده است که آنان دوزخی اند، آمرزش بخواهند». زیرا این عمل بیانگر محبت کفار و صحیح دانستن عقاید باطل آنان است.

ب) نشانه‌های دوستی با مؤمنین

۱- هجرت از دارالکفر به سوی دارالاسلام:

هجرت: یعنی ترک دارالکفر و اقامت در دارالاسلام بخاطر صیانت دین. هجرت با چنین معنا و هدفی تا روز قیامت بر مسلمانان واجب است و پیامبر ﷺ مسلمانانی را که در دارالکفر اقامت گزیده از خود نمی‌داند. لذا اقامت در دارالکفر مگر برای کسانی که توانایی هجرت ندارند و نیز کسانی که در آن دیار به تبلیغ اسلام

می‌پردازند، حرام می‌باشد. الله سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ [النساء: ۹۷]. «کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته‌اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است.»

۲- پشتیبانی و یاری کردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نیازمندیهای دین و دنیایشان:

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [التوبة: ۷۱]. «و مردان و زنان مومن دوستدار همدیگرند.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَسْتَضْرَوْكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ التَّصَرُّ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِثْقَلُ ذَرَّةٍ مِّنَ الدِّينِ﴾ [الأنفال: ۷۲]. «و اگر در کار دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید مگر در برابر قومی که بین شما و ایشان پیمانی باشد.»

۳- شادی و مصیبت مسلمانان را از آن خود بدانند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مثل المسلمین فی توادهم و تعاطفهم و تراحمهم كالجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالحى والسهر.» «مثل مسلمانان در دوستی و محبت و شفقت بسان پیکر واحدی هستند، هرگاه عضوی از آن به درد آید، تب و بی‌قراری سایر اعضا را فرا می‌گیرد.»

و همچنین فرمود: «الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا، وَشَبَكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» «مثل مومن برای دیگر بسان ساختمانی است که جزیی از آن جزء دیگر را

استحکام می‌بخشد (آنگاه پیامبر ﷺ برای تجسم این تمثیل انگشتان دو دست خود را به هم گره کرد).

۴- دوستدار و خیرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فریب آنان:

پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ». ایمان هیچ یک از شما به کمال نمی‌رسد مگر آنکه هر چه را برای خود می‌پسندد برای برادرش نیز پسندد.

و نیز فرمود: «المسلم أخو المسلم لا يقره ولا يخذله ولا يسلمه بحسب امرئ من الشر أن يحقر أخاه المسلم كل المسلم على المسلم حرام: دمه، وماله، وعرضه» «مسلمان برادر مسلمان است او را حقیر و خوار نمی‌شمارد، کمک خویش را از او باز نمی‌گیرد، او را به دشمنی نمی‌سپارد. در بدی همین اندازه که برادر خویش را تحقیر نماید او را بس است و جان و مال و شرف مسلمانان بر دیگری حرام است».

و همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «لَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا يَبِيعَ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» «یا همدیگر کینه ورزی نکنید، به یکدیگر پشت نکنید و روی معامله دیگری معامله نکنید و برادر وار عبادالله باشید».

۵- تکریم و احترام مسلمانان و امتناع از عیبجویی و تنقیض شخصیتشان:

چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْحَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بئس الاسم الفسوق بعد الإيمن ومن لم يثب فأولئك هم الظالمون ﴿١١﴾ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ

اللَّهِ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲﴾ [الحجرات: ۱۱-۱۲]. «ای مؤمنان! نباید که قومی، قوم دیگر را به ریشخند بگیرد، چه بسا اینان از آنان بهتر باشند، و نیز نباید زنانی زنان دیگر را (ریشخند کنند) چه بسا اینان از آنان بهتر باشند و در میان خویش عیبجویی مکنید؛ و یکدیگر را به لقبهای بد مخوانید، پس از ایمان، پرداختن به فسق، بد رسمی است؛ و کسانی که (از این کار) باز نگردند، اینانند که ستمگرند، ای مومنان از بسیاری از گمانها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و (در کار دیگران) تجسس مکنید، و کسی از شما از دیگری غیبت نکند؛ آیا هیچکدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد، که از آن تفر دارید؛ و از خداوند پروا کنید که بیگمان خداوند توبه پذیر مهربان است.»

۶- در تنگنا و فراخی یار مونس آنان باشد.

به رغم منافقین که در آسایش و فراخی در کنار مسلمانان هستند و به هنگام سختی و خطر آنان را تنها می گذارند. که الله تعالی می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النساء: ۱۴۱]. «(آری) همانها که مترصد شما هستند؛ پس اگر پیروزی از جانب خداوند نصیب شما شود می گویند مگر ما همراه (و پشتیبان) شما نبودیم؟ و اگر کافران نصیبی برند (به آنان) گویند مگر ما بر شما دست نداشتیم و دست مسلمانان را از شما دور نداشتیم؟»

۷- دیدار و هم نشینی با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان:

در حدیثی قدسی آمده است که الله تعالی می فرماید: «وَجِبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَزَوِّرِينَ فِيَّ» کسانی که به خاطر رضای من به دیدار هم می روند، مشمول محبت من واقع می شوند.

و در حدیثی دیگر چنین آمده است: مردی به خاطر الله به دیدار برادرش رفت، الله سبحانه بر سر راهش فرشته ای قرار دارد و از او پرسید به کجا می روی؟ گفت:

به خاطر الله به دیدار مومنی می‌روم. گفت: آیا متاعی نزد وی داری که می‌خواهی باز پیش گیری؟ گفت: خیر. جز اینکه به خاطر الله او را دوست دارم. گفت: من فرستاده‌ی الله به سوی تو هستم (به تو مژده می‌دهم همان طور که تو وی را به خاطر الله دوست داری الله نیز تو را دوست دارد).

۸- رعایت حقوق مسلمانان:

بر معامله مسلمانان معامله نکند و بر قیمت گذاری آنها قیمت نهد و بر خواستگاریشان خواستگاری نکند. و در کارهای مباحی که از او پیشی گرفته‌اند متعرض حقوق آنان نشود. رسول اکرم ﷺ فرمود: «لَا يَبِيعُ الرَّجُلُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ وَلَا يَخْتِطُبُ عَلَى خِطْبَةِ» و فی روایت: «ولا یسم علی سومه» «زینهار هیچ مردی از شما بر معامله برادرش معامله نکند و بر خواستگاری او خواستگاری ننماید» و در روایتی دیگر آمده است: «بر قیمت گذاری او قیمت نهد».

۹- شفقت با ضعیفای مسلمان:

همان طور که رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَيْبَرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا» «هر کس به افراد مسن ما (این امت) احترام نگذارد و بر خردسالان ما مهر نوردد از ما نیست».

و همچنین فرمود: «هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضِعْفَائِكُمْ» «آیا نصرت و

پیروزی نصیب شما می‌شد؟ مگر (بواسطه لطفی که الله) به ضعیفان شما دارد؟

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [الکھف: ۲۸]. «و با کسانی که بامدادان و شامگاهان پروردگارش را (به دعا و نیایش) می‌خوانند و در طلب خشنودی او هستند، مدارا کن؛ و در هوای تجمل زندگی دنیوی،

چشم از ایشان بر مگیر».

۱۰- طلب استغفار و دعای خیر برای مسلمانان:

الله سبحانه می فرماید: ﴿وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْيَاكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [محمد:

۱۹]. «و برای گناهانت و نیز برای مردان و زنان مومن آمرزش بخواه».

و نیز می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا

إِنَّكَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۰﴾ [الحشر: ۱۰]. «و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز. و در دل‌های ما نسبت به مومنان کینه‌ای مگذار، پروردگارا تویی که رئوف و مهربانی».

ولی در آیه‌ای که الله سبحانه می فرماید: ﴿لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۸﴾ [الممتحنة: ۸]. «خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده اند، و شما را از خانه و کاشانه تان آواره نکرده اند، نهی نمی کند از اینکه در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، بیگمان خداوند دادگران را دوست دارد».

مصدق آن کافرانی است که با مسلمانان سر جنگ ندارند و در صدد آزار رساندن و آواره کردن، ایشان نیستند در پاسخ به این عملکرد آرام آنان، مسلمانان با عدل و نیکی در امور دنیوی با آنها رفتار می نمایند ولی محبت این کافران را در دل جای نمی دهند چرا که الله تعالی می فرماید: ﴿أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ در حالی که آیه نفرموده است: آنها را به دوستی بگیرید و به آنها مهر بورزید.

نظیر این موضوع آیه‌ای است که الله تعالی در خصوص والدین کافر نازل فرموده است: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا

وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ﴿۱۵﴾ [لقمان: ۱۵]. «و اگر تو را وادارند، تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من گردانی، از آنان فرمان مبر، و با آنان در دنیا به نیکی هم نشینی کن، و به راه کسی برو که به سوی من باز گشته است».

روزی مادر اسماء به دیدارش آمد و خواست با او صله رحم استوار نماید، حال آنکه مادر وی زنی کافر بود. اسماء نزد رسول الله ﷺ شتافت و برای این کار اذن خواست، پیامبر ﷺ به فرمود: با او دیدار کن، و الله تعالی ﷻ نیز در این باره چنین می فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲]. «قومی نیابی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانسان باشند».

ایجاد روابط دنیوی با مهر ورزی دو مقوله جدا از همدیگر هستند، زیرا روابط حسنه و رفتار نیک موجب تشویق کافر به اسلام می شود و آن از جمله اسباب دعوت به شمار می آید بر خلاف مودت و دوستی که تایید عقاید فرد مقابل را در برداشته و از دعوت او به اسلام جلوگیری می نماید.

نکته مهم تحریم دوستی با کافران به این معنی نیست که از ایجاد روابط مباح تجاری و معاوضه کالا و بهره گیری از صنایع مفید و تجارب و اختراعاتشان پرهیز نماییم.

چنان که رسول اکرم ﷺ ابن اریقظ لثی را در حالی که کافر بود اجیر فرمود تا در سفر هجرت راه را به آنان نشان دهد، و نیز در سیره آمده است که ایشان ﷺ از برخی از یهودیان قرض گرفته است. مسلمانان همواره با کشورهای غیر اسلامی معامله داشته و تولیدات و کالاهایشان را وارد کشور می نمایند و در مقابل قیمت آن اجناس را می پردازند، که جایی برای منت یا تفوق کفار بر آنان باقی نمی ماند و این مسئله

ارتباطی با محبت و دوستی با آنها ندارد چرا که دشمنی با کفار و دوستی با مومنین بر هر مسلمانی واجب است.

چنان که سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [الأنفال: ۷۲]. «کسانی که ایمان آورده اند و هجرت کرده اند، و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کرده اند، همچنین کسانی که (ایشان را) جا و پناه و یاری داده اند، اینان دوستان همدیگرند».

تا آنجا که می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۳]. «و کافران دوستدار همدیگرند؛ اگر به این (سفارش) عمل نکنید، در این سرزمین فتنه و فساد بزرگ بر پا می گردد».

حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه که می فرماید: ﴿إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ چنین می فرماید: اگر از مشرکین دوری نجسته و با مومنان تودد و محبت برقرار ننمایید فتنه ای فراگیر مسلمانان را فراخواند گرفت و حق مشتبه خواهد شد، در نتیجه صف بندی میان کفر و اسلام از بین رفته و فساد گسترده و دامنه داری مردم را فراگیر می گیرد و به عقیده من این حقیقتی است که امروز مردم به آن مبتلا شده اند.

مردم در تولی و تبری به سه گروه زیر تقسیم می شوند:

گروه اول:

کسانی هستند که باید از صمیم قلب آنان را دوست داشت و از هر گونه کینه و دشمنی نسبت به آنان پرهیز نمود و اینان مخلصترین مومنان هستند که عبارتند از انبیاء صدیقین، شهداء و صالحین که قافله سالار آنان رسول الله محمد المصطفی ﷺ می باشد که محبت ایشان پس الله تعالی واجب است از محبت جان، مال، فرزند، والدین و تمام مردم پیشی گیرد.

پس از رسول الله ﷺ محبت همسران ((مادران اهل ایمان)) و اهل بیت طاهر و جمله اصحاب گرانقدرش - به ویژه خلفای راشدین و بقیه عشره مبشره، مهاجرین، انصار، اهل بدر، اهل بیعت رضوان و سایر صحابه رضی الله عنهم بر امت اسلام واجب است. پس از این بزرگواران واجب است محبت تابعین و مسلمانان قرون مفضل^۱، سلف و پیشوایان کرام این امت - چون ائمه اربعه - را در دل داشته باشیم.

۱- سه قرن اول حیات مبارک اسلام را قرون مفضله گویند که رسول اکرم ﷺ می فرماید: «خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم الذین یلونهم»: «بهترین مردم (در) این قرنی است که من در آن هستم و سپس کسانی که بعد از آنها می آیند و در پی ایشان کسانی که بعد از آنها خواهند آمد». (م)

کسی که کم‌ترین اثری از ایمان در قلب وی وجود داشته باشد هرگز به کینه ورزی و دشمنی با صحابه بر نمی‌خیزد و تنها کسانی به ورته دشمنی و کینه توزی با آنان گرفتار می‌شوند که دارای قلبی مریض و آکنده از نفاق و دشمنی با اسلام باشد. همچون خوارج^۱ و فرق غالی که از شر آنان به الله سبحانه پناه می‌بریم.

گروه دوم

کسانی که مورد بغض و نفرت مسلمان هستند و مجتبی در دل آنان ندارند. افراد این گروه را کلیه کافران اعم از مشرکین، منافقین، مرتدین و ملحدین تشکیل می‌دهند که بر حسب کفری که مرتکب شده اند مورد بغض و نفرت مسلمانان واقع می‌شوند.

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲]. «قومی نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می‌روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

و آنگاه که بنی اسرائیل را مورد سرزنش قرار می‌دهد می‌فرماید: ﴿تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾^(۸) وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۸۱﴾ [المائدة: ۸۰-۸۱]. «بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را دوست می‌دارند؛ پس بد است آن چه برای خود

۱- از جمله عقاید انحرافی و فاسد خوارج که قلب هر مسلمانی را مجروح می‌سازد، این است که شخصیت‌هایی چون عثمان و علی رضی الله عنهما را کافر دانسته و مستوجب سب و لعن می‌دانند. (م)

پیش اندیشی کردند. که سرانجام خداوند بر آنان خشم گرفته و جاودانه در عذاب خواهند بود و اگر به خداوند و پیامبر (اسلام) و آنچه بر او نازل شده است ایمان داشتند، آنان را دوست نمی‌گرفتند، ولی بسیاری از آنان نافرمانند».

گروه سوم

کسانی که از جهتی مورد محبت و از جهتی مورد نفرت واقع می‌شوند.

مصادیق این گروه مومنان گناه کارند که به خاطر ایمانشان مورد مهر و محبت و به دلیل گناهی - مادون کفر و شرک - که مرتکب می‌شوند مورد نفرت مسلمانان واقع می‌شوند. مقتضای محبت آنان نصیحت، خیرخواهی و نهی از منکر می‌باشد. بنابراین روا نیست در برابر گناهیانی که انجام می‌دهند. سکوت اختیار نمود بلکه باید انجام معاصی را بر آنان ناپسند داشته و به معروف امر و از منکر نهی گردند. و حدود و تعزیرات شرعی بر آنان جاری گردد، تا از گناهان دست کشیده و توبه نمایند.

دیدگاه اهل سنت در بغض از این مسلمانان نه مانند خوارج است که مرتکبین گناه کبیره را مشرک می‌پندارند و از آنان به کلی تبری می‌جویند و نه مانند مرجئه می‌باشد که آنها را مورد مودت و دوستی خالص قرار می‌دهند، بلکه مسیر اهل سنت اعتدال میان هر دو روش می‌باشد.

دوستی و دشمنی ورزیدن به خاطر رضای الله جَلَّالَهُ کامل ترین درجه ایمان می‌باشد، همان طور که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «هر کس در روز قیامت با کسانی است که آنها را دوست داشته است». لیکن امروز این قاعده دگرگون شده و دوستی و دشمنی بیشتر مردم تنها بخاطر دستیابی به مطامع پست دنیوی است. که اگر کسی از آن مطامع برخوردار باشد ولو اینکه دشمن الله و رسول او و دین مسلمانان باشد پیرامونش حلقه زند و آن کس را که از آن مطامع پست بهره‌ای نباشد - اگر چه از دوستان الله جَلَّالَهُ و پیامبر او باشد - به هر بهانه ناچیزی در ضیق و تنگنا قرار داده و کرامتش را پایمال می‌کنند در حالی که عبدالله بن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌فرماید: «من

أحب في الله وأبغض في الله ووالى في الله وعادى في الله فإنما تنال ولاية الله بذلك، وقد صارت عامة مواخاة الناس على أمر الدنيا وذلك لا تجدي على أهله شيئاً^۱. «کسی که محبت و دوستی و عداوت و دشمنی اش به خاطر الله باشد، همانا به درجه دوستی با الله نائل می‌گردد. در حالی که روابط اکثر مردم تنها به خاطر دنیا شده و از آن سودی عاید این افراد نمی‌شود».

ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»^۲. «هر کس با یکی از دوستان من دشمنی بورزد با او اعلام جنگ خواهم نمود».

دشمن ترین مردم نسبت به الله صلی الله علیه و آله کسی است که با اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله به عداوت و دشمنی بر خورسته و آنان را دشنام دهد و شخصیت و الایشان را زیر سوال ببرد؛ که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي لَا تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا فَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَيُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ»^۳. «از الله بترسید، از الله بترسید، در مورد اصحاب من، به آنها غرض نورزید، به راستی هر کس آنان را بیازارد مرا آزرده است، و هر کس مرا بیازارد الله را آزرده است، و هر کس الله را بیازارد نزدیک است او را به عذاب خویش گرفتار سازد».

در خاتمه از تمام کسانی که نسبت به یاران پیامبر صلی الله علیه و آله اسائه ادب کرده و از دشمنی با آنان بی پروا هستند؛ تبری جسته و از عذاب دردناکی که در پیش دارند به الله سبحانه و تعالی پناه می‌بریم.

وصلی الله وسلم وبارك علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.

۱- ابن جریر روایت نموده است.

۲- صحیح بخاری.

۳- ترمذی.